

## ارزیابی برگردان‌های آیه ﴿اقرأ باسم ربك الذي خلق﴾ (علق / ۱) در پنج ترجمه از ترجمه‌های روسی

حسام امامی دانالو<sup>۱\*</sup>، موسی عبداللهی<sup>۲</sup>

- ۱- دانش‌آموخته دکترای علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران  
۲- استادیار گروه زبان و ادبیات روسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۸

دریافت: ۱۳۹۸/۹/۲۰

### چکیده

ترجمه قرآن کریم، راهی برای ایجاد ارتباط غیر عرب‌زبانان با قرآن کریم است و از این رو تحلیل و نقد ترجمه‌های قرآن کریم، به منظور شناخت محاسن و کاستی‌های ترجمه‌های پیشین و دستیابی به ترجمه‌ای مطلوب امری ضروری است. یکی از زبان‌های رایج برای ترجمه قرآن کریم زبان روسی است. مقاله حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، پنج ترجمه شاخص را از میان ترجمه‌های قرآن کریم به زبان روسی بررسی کرده است که توسط «محمد نوری عثمانوف»، «والریا پروخوروا»، «ایگناتی کراچکوفسکی»، «المیر کولیف» و «بتسی شیدفر» از آیه نخست سوره علق ارائه شده‌اند. در این پژوهش ضمن ارائه تاریخچه‌ای از ترجمه قرآن کریم به زبان روسی، ترجمه‌های مذکور در خصوص آیه نخست سوره علق مورد بررسی قرار گرفت و نقاط قوت و ضعف هر یک از آن‌ها با استناد به نکات تفسیری، ادبی و شواهد تاریخی تبیین گردید و در نهایت، ترجمه‌ای نسبتاً مناسب از آیه مورد بحث، با استفاده از تناسب آیات سوره علق به زبان روسی ارائه شده است.

واژگان کلیدی: اقرأ، اسم، ربّ، سوره علق، ترجمه روسی قرآن

## 1- مقدمه

قرآن کریم، متنی به زبان عربی است که مترجم آن، باید از ظرافت‌های موجود در متن قرآن کریم درک و شناخت دقیقی داشته باشد تا بتواند برگردان دقیقی را از آیات ارائه دهد. شناخت سبب و شأن نزول، فضای نزول و توقیفی یا اجتهادی بودن ترتیب آیات و سوره‌ها، از جمله نکاتی است که مفسر و مترجم در مسیر ترجمه به آن‌ها نیاز دارد. لازم به ذکر است که، یکی از کشورهایی که جمعیت قابل توجهی از مسلمانان در آن ساکن هستند، کشور روسیه است که تاکنون ترجمه‌های گوناگونی از قرآن کریم در این کشور منتشر شده است.

### 1-1- بیان مسأله

یکی از آیات قرآن کریم که مترجمان به زبان روسی، ترجمه‌های گوناگونی از آن ارائه کرده‌اند، آیه «**اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ**» (علق / 1) است. با توجه به اختلاف ترجمه‌ها و نقش ترجمه در انتقال صحیح مفاهیم به غیرعرب‌زبانان و رشد قابل توجه اسلام در کشور روسیه، ضروری است تا ضمن معرفی ترجمه‌های روسی که مقاله حاضر قصد بررسی آن‌ها را دارد، مفهوم صحیح این آیه به دست آید و میزان نزدیکی هریک از آن‌ها به مفهوم آیه تبیین شود و در نهایت مواضع ضعف و خلل هریک از آن‌ها در ترجمه این آیه آشکار گردد.

البته باید توجه داشت، ترجمه یک آیه، نشان‌گر میزان توفیق مترجمان در هیچ‌کدام از معیارهای ترجمه صحیح، نیست؛ یعنی نمی‌توان آن را به ترجمه سایر آیات و سوره‌ها تعمیم داد، بلکه دست‌آورد آن تحلیل برداشت مترجمان منتخب از آیه مذکور است.

از این‌رو این پژوهش - که در روش گردآوری مطالب، کتابخانه‌ای است و در نحوه استناد داده‌ها، از شیوه اسنادی پیروی می‌کند و در تجزیه و تحلیل مطالب، روش آن تحلیل محتوایی از نوع توصیفی تحلیلی است - درصدد است تا برداشت مترجمان

ارزیابی برگردان‌های آیه «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» (علق / ۱) ... حسام امامی دانالو و موسی عبداللهی

روسی را که از فراوانی مخاطب ویژه‌ای، برخوردار است، از این عبارت قرآنی، بررسی و نقد کند.

روند انجام پژوهش حاضر، بدین صورت است که نخست، مفاهیم به‌کاررفته در تحقیق، شرح داده می‌شود، آن‌گاه معنای تفسیری مستفاد از آیه از نظر مفسران مورد پژوهش قرار می‌گیرد، سپس ترجمه‌های موجود از آیه «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ»، یک‌به‌یک تبیین و ارزیابی می‌گردد. در نهایت برگردان صحیح آیه «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» به زبان روسی ارائه می‌شود.

#### ۱-۲- پیشینه پژوهش

تا پیش از این، مقاله‌هایی درباره سوره علق منتشر شده است. از جمله:

مقاله «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ»، نوشته «محمد حافظ سلیمان»، در نشریه «منبر الاسلام»، در سال (۱۴۰۱)، شماره پنجم.

مقاله «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ»، نوشته «سید محمدعلی طباطبائی»، در نشریه «المعارج»، در سال (۱۴۱۴)، شماره بیستم که این مقاله‌ها صرفاً به اعجاز قرآن کریم پرداخته‌اند.

مقاله «تفسیر سوره علق در بستر تاریخ»، نوشته «جعفر نکونام» در مجله «مقالات و بررسیها»، در سال (۱۳۸۲)، شماره هفتاد و چهارم؛ چاپ شده است که درباره آغاز نزول قرآن کریم به پیامبر اکرم (ص) و تاریخ‌گذاری آیات سوره علق است. همچنین در پژوهش‌هایی نیز به تاریخچه‌ای اجمالی از ترجمه‌های روسی اشاره شده است، نظیر:

مقاله «گزارشی کوتاه درباره ترجمه‌های قرآن کریم به زبان روسی»، نوشته «احمد پاکتچی»، در نشریه «ترجمان وحی»، در سال (۱۳۷۷)، شماره سوم.

مقاله «ترجمه قرآن کریم به زبان روسی از سابلوکوف تا پوروخووا»، نوشته «عماد الدین حاتم»، در نشریه «ترجمان وحی»، در سال (۱۳۷۷)، در شماره چهارم.

مقاله «تاریخچه ترجمه قرآن به روسی و مقایسه کوتاه ترجمه‌های موجود»، نوشته «محسن شجاعی»، در نشریه «مطالعات تاریخی قرآن و حدیث»، در سال (۱۳۹۰)، شماره پنجاه که در آن ترجمه «باگوسلافکی»<sup>۱</sup> (۱۸۷۱)، «سابلوکوف»<sup>۲</sup> (۱۸۷۸)، «کراچکوفسکی»<sup>۳</sup> (۱۹۶۳)، «پوروخووا»<sup>۴</sup> (۱۹۹۱)، «شوموفسکی»<sup>۵</sup> (۱۹۹۵) «عثمانوف»<sup>۶</sup> (۱۹۹۵)، «کولیف»<sup>۷</sup> (۲۰۰۲)، «ابوعادل»<sup>۸</sup> (۲۰۰۸) از برخی از آیات قرآن کریم نظیر آیه نخست سوره نساء و منافقون و اول تا سوم سوره فاتحه مقایسه شده است.

مقاله «مقایسه و تطبیق ساختارهای گرامری در ترجمه‌های روسی قرآن بر مبنای آیه‌هایی از سوره‌های قرآن کریم»، نوشته «علیرضا ولی‌پور» و «شکوه قریشی»، در نشریه «پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی»، دوره پنجم، شماره نخست که در آن، از میان انواع ساختارهای دستوری تنها ترجمه «مفعول مطلق تاکیدی» و «حال»، در برخی از ترجمه‌های روسی ارزیابی شده است.

اما در هیچ یک از پژوهش‌های پیشین ترجمه‌هایی که روس‌زبانان از آیه ﴿اَفْرَأْ بِاَسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾ ارائه کرده‌اند، بررسی و نقد نشده است.

### ۱-۳- سؤال پژوهش

ترجمه منطبق با آیه نخست سوره علق به زبان روسی چیست؟

### ۲- تاریخچه ترجمه قرآن به روسی

ترجمه قرآن کریم، به زبان روسی، سابقه‌ای بسیار طولانی دارد. البته باید یادآوری کرد که بسیاری از ترجمه‌های قرآن کریم مستقیماً از زبان عربی انجام نشده است. اولین ترجمه قرآن کریم به زبان روسی به دستور پتر<sup>۹</sup> اول، در سال (۱۷۱۶) انجام شد. این

ترجمه، برگردانی از ترجمه فرانسوی قرآن کریم بود که توسط پیوتر پاستنیکوف<sup>۱۰</sup>، انجام شد و با توجه به این که از زبان فرانسه به عنوان زبان واسطه برای معادل‌یابی عبارات استفاده کرده است، ترجمه دقیقی نیست و بسیاری از کلمات و جملات، در این ترجمه با مضامین موجود در متن عربی قرآن کریم همخوانی ندارد یا بسیاری از آن‌ها به کلی نادیده گرفته شده است. پس از آن، میخائیل ویروفیکین<sup>۱۱</sup>، در سال (۱۷۹۰) ترجمه روسی دیگری از قرآن کریم ارائه داد؛ ولی وی نیز همچون پیوتر پاستنیکوف، از متن عربی قرآن کریم بهره نگرفت و در این ترجمه نیز زبان فرانسه، زبان واسطه برای ترجمه کردن متن قرآن کریم به زبان روسی بود. از همین رو این ترجمه نیز اشکالات مشابهی را با ترجمه قبلی دارد.

الکسی کالماکوف<sup>۱۲</sup>، فرد دیگری است که در سال (۱۷۹۲) قرآن کریم را با استفاده از متن انگلیسی ترجمه جرج سل<sup>۱۳</sup>، به زبان روسی ترجمه کرد. در این ترجمه به‌رغم این که همچون دو ترجمه قبلی اشکالات فراوانی وجود دارد، اما مترجم سعی کرده است با ارائه افزوده‌هایی تفسیری، ترجمه‌ای رساتر نسبت به ترجمه‌های پیش از خود، ارائه دهد.

با وجود سابقه چندصدساله ترجمه قرآن کریم به زبان روسی، ترجمه‌هایی که مستقیماً از متن عربی برای ارائه ترجمه به زبان روسی بهره برده‌اند، سابقه طولانی ندارند.

اولین ترجمه روسی از قرآن کریم که برای ارائه آن، مستقیماً و بدون واسطه بودن زبان دیگری، از متن عربی استفاده شده است، متعلق به دمتری باگوسلافسکی<sup>۱۴</sup> است. این ترجمه در سال (۱۸۷۱) انجام شد؛ ولی انتشار آن با وقفه‌ای طولانی در قرن ۲۰ میلادی یعنی سال (۱۹۹۵) صورت پذیرفت.

ترجمه بعدی که مترجم، در آن از متن عربی قرآن کریم بهره گرفته است، متعلق به گوردی سابلوکوف<sup>۱۵</sup> است که وی آن را در سال (۱۸۷۸)، به جامعه روس‌زبان، ارائه

کرده است. این ترجمه به‌رغم استفاده مستقیم از متن عربی قرآن کریم، دچار اشکالاتی اساسی است که اصلی‌ترین آن، «مغفول ماندن مفاهیم قرآن، تحت تأثیر شدید معانی و مفاهیم مسیحی و یهودی در انجیل و سایر کتب مذهبی است؛ به عبارت دیگر متن قرآن در این ترجمه به واسطه مفاهیمی که ذکر شد، به روسی برگردان شده است (نک: او. ز. شاریپوف، ر.م. شاریپوا. مقدمه‌ای بر ترجمه جدید قرآن).

ترجمه دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، ترجمه ناظم زینالف<sup>۱۶</sup> است که ویژگی آن، توجه به ترجمه‌های فارسی، به خصوص چهار ترجمه مجتبوی، فولادوند، آیت‌الله مکارم شیرازی و آیت‌الله مشکینی است. این مترجم تحصیل دینی خود را در شهر مقدس قم سپری کرده و ترجمه مذکور، نخستین ترجمه قرآن کریم است که توسط مترجم شیعی مذهب، به زبان روسی ارائه شده است. این ترجمه در سال (۲۰۱۶) در شهر مقدس قم به چاپ رسیده است.

ترجمه ایگناتی کراچکوفسکی<sup>۱۷</sup>، در سال (۱۹۶۳) منتشر شد. این ترجمه که مترجم، برای ارائه آن از متن عربی قرآن کریم بهره برده است، یکی از برجسته‌ترین ترجمه‌های قرآن کریم به زبان روسی محسوب می‌شود.

والریا پروخوروا<sup>۱۸</sup>، در سال (۱۹۹۱) ترجمه منظومی از قرآن کریم ارائه داده است. ویژگی اصلی این ترجمه، تلاش مترجم برای حفظ حالت آهنگین متن قرآن کریم در ترجمه است.

محمدنوری عثمانوف<sup>۱۹</sup>، در سال (۱۹۹۵) یکی از مهم‌ترین ترجمه‌های روسی قرآن کریم را منتشر کرد.

ترجمه المیر کولیف، در سال (۲۰۰۲) منتشر گردید و یکی از ترجمه‌های موفق قرآن کریم محسوب می‌شود. کولیف، در ترجمه خود، بیش‌تر به ترجمه معنای آیات توجه کرده است.

یکی از جدیدترین ترجمه‌های روسی قرآن کریم نیز متعلق به بتسی شیدفر<sup>۲۰</sup> است که در سال (۲۰۰۳) منتشر شده است.

ترجمه‌های محمد نوری عثمانوف، والریا پروخوروا، ایگناتی کراچکوفسکی، المیر کولیف<sup>۲۱</sup> و بتسی شیدفر، ترجمه‌هایی هستند که در پژوهش حاضر از میان ترجمه‌های موجود از قرآن کریم به زبان روسی، برای ارزیابی انتخاب شده است و سبب انتخاب این ترجمه‌ها از آن روست که مترجمان، در همه آن‌ها مستقیماً از متن عربی بهره گرفته‌اند و همین امر نشان می‌دهد که آنان تا حدودی با زبان عربی آشنا بوده‌اند و از همین رو نسبت به سایر مترجمان روس‌زبان، ترجمه‌ای دقیق‌تر ارائه کرده‌اند.

بسیاری از ترجمه‌های روسی قرآن کریم، با استفاده از زبان‌های واسطه به‌خصوص زبان فرانسه و انگلیسی انجام شده است؛ استفاده از زبان واسطه، یکی از معضلات ترجمه‌های پرتعداد روسی قرآن کریم است؛ زیرا مترجمان، در این ترجمه‌ها به دلیل عدم آشنایی با زبان عربی، از متن ترجمه قرآن کریم به زبان انگلیسی و فرانسه برای برگردان متن قرآن کریم به زبان روسی بهره برده‌اند و مقایسه این ترجمه برای نمونه با ترجمه‌هایی که مستقیماً از متن عربی قرآن کریم بهره برده‌اند برای نشان دادن اثر زبان واسطه در ترجمه ضروری است.

آکادمی علوم شوروی، در سال (۱۹۸۴) در مقاله‌ای که توسط انتشارات «ناوکا» به قلم پ. گریازنویچ، با عنوان «اسلام، دین، جامعه و حکومت» منتشر کرده است، به بررسی دقیق ترجمه‌هایی که از قرآن کریم تا سال (۱۹۸۴) انجام شده، پرداخته است. در این مقاله به صورت مبسوط به نقاط ضعف ترجمه‌هایی اشاره شده است که در آن‌ها از زبان‌های واسطه، نظیر انگلیسی و فرانسه برای ترجمه قرآن کریم به روسی استفاده شده است.

### ۳- تبیین مفاهیم

پیش از ارزیابی میزان انطباق ترجمه‌های روسی مذکور از آیه ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾ (علق / ۱)، باید مفاهیم موجود در این آیه از نگاه لغت‌پژوهان و مفسران قرآن کریم معرفی شود:

#### ۳-۱- مفهوم واژه «قرأ» در لغت و اصطلاح

ریشه‌شناسی ماده «قرأ»، در زبان‌های خانواده سامی، نشان داده است که قدیمی‌ترین ترکیب حالت ثلاثی «قرأ» از ثنائی آن (= قر) به معنای «فرا خواندن» و «صدا زدن» گرفته شده و دو مسیر معناسازی را طی کرده است. نخست: صدا زدن < دعوت کردن (به مهمانی) < پذیرایی کردن. دوم: صدا زدن < خواندن / مطالعه کردن < سرودن. زنجیره معنایی نخست، بیش‌تر در زبان‌های آفریقایی - آسیایی کاربرد داشته است. اما نوع دوم، در زبان‌های سامی شمالی مرکزی و جنوبی که زبان عربی هم از این دست است، یافت شده است (نک: جانی‌پور و ایزدی، ۱۳۹۲: ۳۹-۲۱).

بر این اساس، ریشه «ق ر ء» به معنای خواندن از روی حافظه یا نوشته یا صدا زدن و دعوت کردن است. از آن‌جاکه زبان متن قرآن کریم، عربی است، احتمال معنای «خواندن» بیش‌تر است. «قرأ» در کتب لغت نیز، به معنای خواندن از روی متن یا از روی حافظه به‌کاررفته است (نک: فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۵: ۲۰۵). برخی از مفسران معنای «اقرأ» را «یاد کردن»، دانسته‌اند (نک: سمین، ۱۴۱۴، ج ۶: ۵۴۵).

در زبان عربی، علاوه بر «قرأ»، از کلمه «تلاوت» از ریشه «تلو» نیز، برای این فعل استفاده می‌شود. فرق میان «قرأ» و «تلو» در آن است که ریشه «قرأ» نسبت به «تلو» معنایی عام دارد و خواندن یک کلمه را نیز شامل می‌شود؛ ولی در تلاوت، شرط است که دو کلمه یا بیش‌تر پشت سر هم خوانده شود (نک: عسکری، ۱۴۰۰: ۵۴).



برخی از کلمات قرآن کریم از ریشه «ق ر ء» هستند. چنان‌که افعالی مانند: ﴿يَقْرُونَ﴾ (یونس / ۹۴؛ اسراء / ۷۱) ﴿قَرَأَتْ﴾ (اسراء / ۴۵) ﴿نَقَرُوا﴾ (اسراء / ۹۳) ﴿لَتَقْرَأَنَّ﴾ (اسراء / ۱۰۶) ﴿اَقْرُوا﴾ (حاقه / ۱۹) ﴿قَرَأْنَا﴾ (قیامه / ۱۸) ﴿قُرِئَ﴾ (انشقاق / ۲۱) ﴿سَنُقْرِئُ﴾ (اعلی / ۶)، از این ریشه‌اند و متعلق این فعل در آیات قرآن کریم گاه «قرآن» (برای نمونه نک: اعراف / ۲۰۴؛ نحل / ۹۸؛ اسراء / ۴۵)، گاه «کتاب» (برای نمونه نک: یونس / ۹۴؛ اسراء / ۷۱ / ۱۴) و گاهی «نامه اعمال» (حاقه / ۱۹) است.

### ۳-۲- مفهوم واژه «اسم» در لغت و اصطلاح

در ریشه‌یابی کلمه «اسم»، اختلاف وجود دارد (نک: ابن انباری، بی‌تا، ج ۱: ۸). برخی، آن را از ماده «س م و» می‌دانند و در مقابل، برخی دیگر آن را از ماده «و س م» می‌دانند (برای مثال نک: جوهری، ۱۳۷۶، ج ۶: ۲۳۸۳؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳: ۹۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۴: ۴۰۱). به‌هرحال همزه موجود در «اسم»، همزه وصل و زائد است (نک: فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۷: ۳۱۸؛ ازهری، بی‌تا، ج ۱۳: ۷۹).

«سمو» به معنای ارتفاع است (نک: فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۷: ۳۱۸؛ ابن درید، ۱۹۸۸، ج ۲: ۱۱۰۸؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۳: ۷۸؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴، ج ۸: ۴۰۶)، «وسم» نیز به معنای داغ و علامت است (نک: فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۷: ۳۲۱؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۳: ۷۷؛ جوهری، ۱۳۷۶، ج ۵: ۲۰۵۱).

خود کلمه «اسم»، به معنای کلمه‌ای است که بر انسان، حیوان یا شیء دلالت کند و اگر آن را از ریشه «سمو» بدانیم، وجه آن از این‌روست که «اسم» بر مسماء علو، دلالت دارد و آن را یادآوری می‌کند و اگر آن را از ریشه «وسم» بدانیم آن‌گاه وجه آن از این‌روست که «اسم» علامتی برای مسماست (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳: ۹۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۴: ۴۰۱). اما باید دانست که ریشه «اسم»، «سمو» است؛ زیرا در قواعد صرف زبان عربی اگر از ریشه‌ای مانند «وسم» فاء‌الفعل حذف شود، به جای آن، الف وصل

قرار نمی‌گیرد. مانند: «عده» از «وعد» یا «زنه» از «وزن». همچنان که در تصغیر چنین کلماتی، ضروری است که «واو» بازگردد. مانند: «وعیده» که مصغر «عده» است یا «وزینه» که مصغر «زنه» است یا «وصیله» که مصغر «صله» است، اما مصغر اسم، «سمی» است، نه «وسیم» (نک: طوسی، بی تا: ۲۶-۲۷).

«اسم»، در آیات قرآن کریم زمانی که برای اشاره به خداوند به کار می‌رود، یک حقیقت است، نه صرف یک نام برای نامیدن خداوند. به عبارت دیگر، اسم خداوند، وصف اوست. چنان که در قرآن کریم می‌خوانیم: ﴿تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ﴾ (رحمن / ۷۸) تعظیم و تعالی اسم رب، بدان جهت است که او مستحق وصف شدن به وصفی است که دیگری مستحق چنین وصفی نیست؛ زیرا تنها او قدیم، اله، قادر مطلق، عالم و حیّ قائم به نفس و بی‌نیاز از غیر است (نک: طوسی، بی تا، ج ۹: ۴۸۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۳۲۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹: ۱۱۱؛ طبری، ۱۴۱۵، ج ۲۷: ۲۱۴؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۷: ۱۹۳). از همین رو مفسران در تفسیر کلمه اسم، در عبارت «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» اشاره کرده‌اند که معنای این واژه باید متناسب با محتوای هر سوره در نظر گرفته شود (برای مثال نک: طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۱۶).

### ۳-۳- مفهوم واژه «رب» در لغت و اصطلاح

واژه «رب»، برعکس آنچه مشهور است، از ریشه «ر ب و»، به معنای «پرورش دادن» و «تربیت کردن» نیست؛ بلکه از ریشه «ر ب ب» و به معنای «سرور»، «مالک» و «صاحب» است. شواهد باستان‌شناختی واژه «rab»، نشان می‌دهد که آن، نخستین بار، برای نامیدن خداوند، از زبان سبئی به حجاز و زبان عربی وارد شده است (خوانین‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۲۰-۱۲۷). همچنین «rab» در بسیاری از زبان‌های سامی، مانند آکادی، آرامی، عبری، فنیقی، سریانی، سبئی و... به همان مفهوم «سرور»، «مالک» و «صاحب» وجود دارد (هدایت،

ارزیابی برگردان‌های آیه «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» (علق / ۱) ... حسام امامی دانالو و موسی عبداللهی

۱۳۸۴: ۶۶-۶۴). در زبان عربی نیز پیش از اسلام و پس از آن، به همین معانی استفاده می‌شده است (نک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۹۴).

فرهنگ‌نویسان متقدم، واژه «رَبِّ» را درباره خداوند به «مالک» معنا می‌کنند (فراهیدی، بی‌تا، ج ۸: ۲۵۶؛ ابن درید، بی‌تا، ج ۱: ۶۷). اما گاه برخی از قرآن‌پژوهان، این واژه را به معنای «پرورش‌دهنده» و «پروردگار» معنا کرده‌اند. چنان‌که راغب می‌نویسد: «الرَّبُّ فِي الْأَصْلِ: التَّرْبِيَةُ، وَهُوَ إِنْشَاءُ الشَّيْءِ حَالًا فَحَالًا إِلَى حَدِّ التَّمَامِ» (راغب، بی‌تا: ۳۳۶) این در حالی است که عموم مفسران مسلمان، «رَبِّ» را به معنای «مالک» می‌دانند (برای نمونه نک: طوسی، بی‌تا، ج ۱: ۳۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱: ۸؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۲۱) و بیش‌تر آیات قرآن کریم (برای مثال نک: نمل / ۹۱، قریش / ۳، مؤمنون / ۸۶)، نشان‌دهنده معنای «سرور»، «مالک» و «صاحب» است. بنابراین در ترجمه «رَبِّ»، در آیه «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ» باید از «سرور» یا «مالک» استفاده کرد.

### ۳-۴- مفهوم واژه «خلق» در لغت و اصطلاح

واژه «خَلَقَ»، از ریشه «خ ل ق» است (نک: فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۴: ۱۵۱؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴، ج ۴: ۱۹۴؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲: ۲۱۴). برخی بر این باورند که «خ ل ق»، دو ریشه با دو معنای متفاوت است؛ یکی به معنای «پوسیده و کهنه» و دیگری به معنای «تقدیر شیء» (نک: ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲: ۲۱۴).

توضیح آن‌که، فعل «خَلَقَ؛ يَخْلُقُ» و مصدر آن، «خُلِقَ»، در عبارت‌هایی مانند «خَلَقَ الثَّوْبُ»، به معنای «پوسیدن» است (نک: فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۴: ۱۵۱) و بنابراین معنای این عبارت می‌شود، «لباس پوسید»؛ اما در مقابل از ریشه «خ ل ق» در معنای تقدیر، ابداع و اختراع فرد نیز استفاده می‌شود. مانند نوع رفتار و طبع انسان که به آن «خَلَق» می‌گویند (نک: ابن درید، ۱۹۸۸، ج ۱: ۶۱۸) یا گفته‌های کذب و دروغین که بر یافته‌ها و اختراع‌های

انسان‌هاست که به آن‌ها، «خلق» گویند؛ مانند کاربرد این ریشه در آیه ﴿وَتَخْلُقُونَ أَفْئِدَةً﴾ (عنکبوت/ ۱۷) که در آن «تخلقون» از همین ریشه، به معنای دروغ و برافتنه است. در آیه ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾ (علق / ۱)، فعل «خَلَقَ»، به معنای ابداع و تقدیر است. فعل «خَلَقَ» با ضمیر مستتر فاعلی، یعنی «هو»، یک جمله را تشکیل می‌دهد. این جمله، خود صله اسم موصول «الذی» است و مرجع ضمیر «هو»، خداوند متعال است. چنان‌که دو صفت «الخالِقُ» و «الخالقُ» از همین ریشه و از اوصاف خداوند متعال هستند و با الف و لام بر موجود دیگری جز خداوند اطلاق نمی‌شوند (نک: ازهری، ۱۴۲۱، ج ۷: ۱۶). همچنین در این آیه مفعولی برای فعل «خَلَقَ» معرفی نشده است. در تفاسیر چنین تبیین شده که عدم ذکر مفعول به معنای آن است که «خلق کردن» در خداوند، حصر شده است (نک: زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴: ۷۷۵؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۳۰: ۳۸۵) و به معنای آن است که خداوند همه مخلوقات را خلق کرده و خالق جز او نیست (نک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۷۸۱؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۵: ۳۲۵).

#### ۴- گزارش و دسته‌بندی ترجمه‌های روسی از آیه ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾

مترجمان روسی قرآن کریم، در ترجمه فعل امر «اقرأ»، متعلق‌یابی برای آن و ارتباط عبارت «باسم ربك الذي خلق» با آن، به دو دسته تقسیم می‌شوند:

**دسته نخست**، برآنند که عبارت «باسم ربك الذي خلق»، بیان‌کننده کیفیت انجام دستور الهی (= اقرأ) است و از همین رو، گاه مفعول مستقلی برای فعل «اقرأ» در نظر گرفته‌اند. به بیان دیگر ترجمه عبارت «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» چنین است: «به نام مالکت بخوان / یا بخوان به نام مالکت».

سه مترجم از میان مترجمان منتخب، یعنی «محمد نوری عثمانوف»، «ایگناتی کراچکوفسکی» و «المیر کولیف»، در ترجمه‌های خود همین برداشت را داشته‌اند. با این

تفاوت که «محمد نوری عثمانوف»، با قرار دادن کلمه «وحی» در کروش، به طور کامل به مفعول فعل «اقْرَأْ» اشاره کرده است و به این برداشت، یعنی کیفیت خواندن، تصریح کرده است؛ ولی در دو ترجمه «ایگناتی کراچکوفسکی» و «المیر کولیف»، مفعول جداگانه‌ای برای فعل «اقْرَأْ»، معرفی نشده است (نک: جدول شماره ۱).

دسته دوم، برآنند که عبارت «بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ»، بیان‌کننده کیفیت انجام دستور الهی (= اقرأ) نیست؛ بلکه خود مفعول فعل «اقْرَأْ» است. یعنی «بِاسْمِ رَبِّكَ» را، آغاز متنی می‌دانند که پیامبر اکرم (ص) مأمور به خواندن آن شده است. یعنی «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» بگو. دو تن از مترجمان منتخب، «والریا پروخوروا» و «بتسی شیدفر»، همین رویکرد را دنبال کرده‌اند (نک: جدول شماره ۱).

تفاوت این دو نگاه در این است که ترجمه نخست، عبارت «بِاسْمِ رَبِّكَ» را گویای کیفیت فعل پیامبر اکرم (ص) می‌داند. درحالی‌که در ترجمه دوم، عبارت «بِاسْمِ رَبِّكَ»، همان چیزی است که پیامبر اکرم (ص) مأمور به خواندن آن شده است. اما وجه مشترک هر دو ترجمه، ترجمه عبارت «بِاسْمِ رَبِّكَ» به شکل «به نام مالک» است. لازم به ذکر است کلمه «Господь» در فرهنگ لغت‌های روسی - فارسی و روسی - روسی به معنای خدا، سرور و آقا نیز به کار می‌رود؛ اما توجه به این نکته ضروری است که در فرهنگ‌های روسی - روسی، یکی از رایج‌ترین معانی «Господь»، «مالک» است. همچنین گفتنی است، دیگر معادل کلمه «مالک» در زبان روسی، «Владыка» است (<http://slovardalja.net/word.php?wordid=5945> تاریخ دسترسی: ۱۳۹۸/۱۰/۲۵).

بررسی ترجمه‌های منتخب قرآن کریم به زبان روسی، نشان می‌دهد که برخی از آنان حرف «باء» را در این آیه، زائد دانسته‌اند. همان‌طور که در برخی ترجمه‌های فارسی قرآن کریم، مواردی وجود دارد که مترجم حرف «باء» را زائد دانسته و آن را ترجمه نکرده است.

مانند: «بخوان (یا محمد صلی الله علیه و آله و سلم) نام پروردگارت را آن کسی که خلق کرد (جمع مخلوقات را بر مقتضای حکمت و آنها را از عدم به وجود آورد به کمال قدرت خود- بخوان خدا را به اسماء حسنی او که در تعظیم اسم تعظیم مسمی است- و بآزاید است؛ یعنی اقرأ اسم ربك)» (خسروانی، ۱۳۹۰، ج ۸: ۵۸۲)، «بخوان نام پروردگارت را که آفرید (جمع مخلوقات را)» (سراج، ۱۳۹۰: ۵۹۷)، «اقرأ باسم ربك برخوان نام خداوند خویش الَّذِي خَلَقَ (۱) آن که آفریده آفریده» (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۱۰: ۵۴۸).

همچنین در ترجمه «محمد نوری عثمانوف»، از عبارت «همه مخلوقات»، استفاده شده است و این عبارت برای خلط نشدن با قسمت‌های دیگر، به درستی در گروه قرار گرفته است. اما در ترجمه‌های «ایگناتی کراچکوفسکی» و «المیر کولیف»، برای اشاره به اطلاق موجود در عبارت «الذی خلق»، عبارت «همه چیز»، به ترجمه اضافه شده است؛ ولی این افزوده ترجمه، با علائم نگارشی جدا نشده است.

برخلاف سه ترجمه قبلی، در ترجمه‌های «والریا پروخوروا» و «بتسی شیدفر»، به مفعول عبارت «الذی خلق»، اشاره نشده است و عبارت، به صورت مطلق ترجمه شده است. در جدول زیر نتیجه مقایسه ترجمه‌های فوق دسته‌بندی شده است:

جدول شماره (۱): تنوع ترجمه‌های ارائه شده

ردیف	نام مترجمان	ترجمه ارائه شده	معنای عبارت روسی
۱	محمد نوری عثمانوف	Читай [откровение] во имя Господа твоего, который сотворил [все создания]	[وحی را] بخوان به نام مالکت که خلق کرد [همه مخلوقات را]
۲	ایگناتی کراچکوفسکی	Читай! во имя твоего Господа, Который сотворил все сущее	بخوان! به نام مالکت که خلق کرد همه چیز را
۳	المیر کولیف	Читай во имя твоего Господа, Который сотворил все сущее,	بخوان به نام مالکت که خلق کرد همه چیز را
۴	والریا پروخوروا	Читай (и возгласи!) Во имя Бога твоего, Кто - сотворил	بخوان (و بانگ برآور!) به نام خداوندت که خلق کرد

بانگ برآور: به نام مالکت که خلق کرد.	Возгласи: «Во имя Господа твоего, что сотворил»	بتسی شیدفر	۵
--------------------------------------	---	------------	---

## ۵- تحلیل و بررسی ترجمه‌ها

از آن‌جا که قرآن کریم، نسبت به متون دیگر، دارای ویژگی‌های منحصر به فرد بسیاری است، ترجمه آن نیز، نسبت به ترجمه دیگر متون، ظرافت‌های بیش‌تری دارد (با تلخیص نک: زارع، کوثری، ۱۳۹۳: ۱۰۶-۸۳). بر این اساس، گاه در ترجمه مترجمان افزوده‌هایی نسبت به متن اصلی یافت می‌شود که مترجم خود را ناگزیر از افزودن آن به ترجمه خود می‌بیند تا بتواند به مفهوم متن نزدیک شود. این قسم از افزوده‌ها در ترجمه، نه تنها ناپسند نیست، بلکه سبب وضوح معنایی شده و اگر از طریق قرار گرفتن در میان علائم نگارشی، مانند پرانتز یا گروه، صورت پذیرد، نشان از عمق داشتن متن اصلی و تتبع مترجم دارد.

به هر صورت، در زبان متون مقدس و بافت آن‌ها از لحظه تولید تا لحظه درک شدن، روابط پنهان‌شده در پس پرده قدرت‌هایی همچون قدرت زمان وجود دارد که نمایان شدن معنا برای مترجم را با دشواری‌هایی روبرو می‌کند. توجه به این نکته، به مثابه یکی از دال‌های مترجم در مسیر گفتمان سازی قرآن کریم، مفصل‌بندی بیان گفتمانی را شکل می‌دهد و مترجم را در برابر جریان‌های فکری مصون می‌کند. چنان‌که در ترجمه‌های فارسی نیز، آیه نخست سوره علق به صورت‌های گوناگون ترجمه شده است.

برای نمونه می‌توان به این موارد اشاره کرد:

الهی قمشه‌ای: «(ای رسول گرامی برخیز و قرآن را) به نام پروردگارت که خدای آفریننده عالم است (بر خلق) قرائت کن».

آیت‌الله مشکینی: «بخوان (این کتاب را با شروع) به نام پروردگارت».

قرشی بنابی: «بخوان قرآن را با شروع به نام پروردگارت که آفرید».

پورجوادی: «(قرآن را) به نام پروردگارت - که هستی را آفرید - بخوان».

بلاغی: «ای پیامبر! بنام پروردگارت، (قرآن) بخوان».

صفوی: «ای پیامبر، به نام پروردگارت دریافت قرآن را آغاز کن؛ همان کسی که انسان را آفرید».

صادق نوبری: «(یا محمد) به نام پروردگارت که انسان را از عدم به وجود آورده افتتاح کرده بعد از آن قرائت کن. یعنی موقع قرائت گفتن ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ لازم است».

خرم دل: «(ای محمد! بخوان چیزی را که به تو وحی می‌شود. آن را بیاغاز و بخوان به نام پروردگارت. آن که (همه جهان را) آفریده است».

**۵-۱- تحلیل ترجمه «[وحی را] بخوان به نام مالکت که خلق کرد [همه مخلوقات را]»**

«محمد نوری عثمانوف»، در ترجمه فوق، به درستی افزوده‌های ترجمه خود را درون کروشه قرار داده است و این از محاسن آن است. اولین افزوده ترجمه حاضر (= وحی را)، به مفعول فعل «اقرا» در آیه نخست سوره علق اشاره دارد. آنچه برخی از مترجمان، از جمله «محمد نوری عثمانوف» را، بر آن داشته تا آیه نخست سوره علق و فعل امر «اقرا» در آن را ناظر بر وحی بدانند، اخبار و روایات آغاز نزول قرآن کریم است؛ اما این اخبار، مواضع ضعف متعددی دارد و از همین رو پذیرفتنی نیست؛ بنابراین در نظر گرفتن چنین مفعولی برای فعل مذکور صحیح نمی‌باشد.

توضیح آن‌که در اخبار آغاز نزول قرآن کریم، نخستین آیات سوره علق (= آیات نخست تا پنجم) را نخستین آیاتی می‌دانند که بر پیامبر اکرم (ص) نازل شده است و از همین رو این آیات دستور به خواندن قرآن کریم یا همان وحی داده است. یکی از اخبار آغاز نزول قرآن کریم که در کتاب تاریخ قرآن «رامیار» آمده، چنین است: «در یکی از گوشه‌گیری‌ها در غار حراء بود که جبرئیل امین بر پیامبر اکرم (ص) نازل شد و



نخستین وحی در آن جا بود که نازل شد. سپس حدیثی از زبان پیامبر اکرم (ص) را نقل می‌کند که «من خفته بودم که جبرئیل، پاره‌ای از دیبا که کتابی در آن بود به من آورد.

پس گفتم: بخوان! گفتم: خواندن نتوانم. پس مرا فشاری داد که پنداشتم آن مرگ است. آن گاه رهایم ساخت و گفتم: بخوان! گفتم: خواندن نتوانم. پس مرا فشاری داد که پنداشتم آن مرگ است و رهایم کرد. پس گفتم: بخوان! گفتم: خواندن نتوانم. باز مرا فشاری داد که پنداشتم آن مرگ است و آن گاه رهایم ساخت. پس گفتم: بخوان! گفتم: چه بخوانم؟ (این سخن را جز برای این که مبدا آنچه به من گذشت (= فشار دادن و رها کردن) بازگردد، نگفتم.) پس از آن گفتم: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ. خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ. اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ، الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ، عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (علق/ ۱- ۵)» (رامیار، ۱۳۶۹: ۵۳).

در نقد این اخبار، سه اشکال اساسی وجود دارد:

**نخست آن که،** این اخبار اضطراب شدیدی در متن دارد. به طوری که پنج شکل مختلف از این اخبار وجود دارد. در این اخبار، گاه حادثه به گونه‌ای گزارش شده است که پیامبر اکرم (ص) همانند نمونه‌ای که گزارش شد، در غار حرا است و ناگهان فرشته وحی را می‌بیند و فرشته وحی با فشردن، ایشان را مجبور می‌کند که بخواند. در نسخه دیگری، بدون این که به نزول سوره علق اشاره شود، این بار پیامبر اکرم (ص) نه در غار حرا، بلکه بر فراز کوه اجیاد قرار دارد. در این نسخه پیامبر اکرم (ص) فرشته وحی را در افق می‌بیند که یک پای خود را بر روی پای دیگر انداخته و پیامبر اکرم (ص) از دیدن چنین منظره‌ای هراسیده و تصور کرده که دچار توهّم شده یا کاهن شده است، لذا با دلهره خود را به حضرت خدیجه (س) می‌رساند و وی ایشان را دلداری می‌دهد! و با مراجعه به فردی - که تا آخر عمر مسلمان نمی‌شود (= ورقه بن نوفل) - می‌فهمد که پیامبر هستند!

در نسخه دیگری، این بار حادثه نه در بیداری، بلکه در خواب و رؤیا رخ می‌دهد. در نسخه دیگری، پیامبر اکرم (ص) نوری مشاهده می‌کند و صداهایی می‌شنود. در نسخه دیگری، حضرت خدیجه (س) ایشان را آرام می‌کند و در نسخه دیگری، حضرت خدیجه (س) نیز ناتوان از درک حقیقت ماجرا است (برای مشاهده برخی از نسخه‌های گوناگون روایت‌های آغاز نزول قرآن کریم نک: بخاری، ۱۹۵۸، ج ۱۱: ۲؛ مسلم، ۱۹۱۵، ج ۱: ۱۲۸؛ حلی، ۱۹۸۹، ج ۱: ۲۱۶؛ ابن حجر عسقلانی، بی‌تا، ج ۸: ۵۲۱؛ زرقانی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۲۲؛ بلاذری، ۱۹۵۹، ج ۱: ۱۰۹). این اضطراب شدید که تنها به نمونه‌هایی از آن اشاره شد، پذیرش روایات آغاز نزول قرآن کریم و ارتباط دهنده سوره علق با این حادثه را با تردید جدی روبرو می‌کند. توجه به این نکته ضروری است که تنها دلیلی که سوره علق را به حادثه آغاز نزول وحی ارتباط می‌دهد، همین اخبار است و دلیل دیگری برای این ارتباط دهی در دست نیست!

**دوم آن‌که**، در بیش‌تر این اخبار، پیامبر اکرم (ص)، شخصی بدون ثبات شخصیتی تصویر شده است. به نحوی که گویی ایشان در دوره رسالت خویش قدرت تشخیص سره از ناسره را نداشته‌اند و دچار تحول در شخصیت شده‌اند. برای مثال، گاه بر مبنای برخی از این اخبار، پیامبر اکرم (ص) برای اطلاع پیدا کردن از این‌که پیامبر شده‌اند یا نعوذ بالله مشاعر خود را ازدست داده‌اند، به کمک یک مسیحی (= ورقه بن نوفل) نیازمند هستند، تا او به ایشان بگوید، چه رخ داده است.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود گزارش‌های موجود در این اخبار از شأن پیامبر اکرم (ص) به دور است؛ زیرا پیامبر اکرم (ص) را به گونه‌ای نشان می‌دهد که از ترس به «ورقه بن نوفل»، پناه برده است.

علاوه بر این، اخباری که بر این دلالت دارد که فرشته وحی برای مجبور کردن پیامبر اکرم (ص) به خواندن وحی، ایشان را فشرده است و پیامبر اکرم (ص) سرانجام برای رهایی از آزار او که همچون مرگ بوده است، پاسخ خود را مبنی بر این‌که «نمی‌-

توانم بخوانم!»، تغییر داده است و می‌پرسد: «چه بخوانم؟»، با پرسش‌های متعددی روبرو است؛ این‌که چرا و به چه دلیلی فرشته وحی چنین آزاری را بر پیامبر اکرم (ص) روا داشته است؟ درحالی‌که طبق آیاتی مانند: ﴿وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (توبه/ ۶۱) چنین کاری حرام است!

اما نکته سوم، ضعف شدید سند این دست از اخبار است. در این اخبار، ضعف‌هایی همچون ارسال و ضعف راوی وجود دارد که اعتماد به این اخبار را به شدت کاهش می‌دهد (برای مطالعه بیش‌تر نک: سلطانی، ۱۳۸۰: ۳۷ - ۲). علاوه بر همه این موارد، زشت بودن الفاظ به‌کار رفته در این اخبار و عدم انطباق مدلول آن‌ها با آیات قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم (ص) و شأن ایشان، از جمله وجوه دیگر ضعف آن‌ها است. از همین رو نمی‌توان وحی را مفعول فعل «اقرأ» در آیه نخست سوره علق دانست. بنابراین، این بخش از ترجمه «محمد نوری عثمانوف» صحیح نیست.

#### ۵-۲- تحلیل ترجمه «بخوان به نام مالکت که خلق کرد همه چیز را»

«ایگناتی کراچکوفسکی» و «المیر کولیف»، هر دو ترجمه مشابهی از آیه نخست سوره علق را به زبان روسی ارائه کرده‌اند. با این تفاوت که در ترجمه «ایگناتی کراچکوفسکی»، پس از «Читай» (= بخوان)، از علامت «!»، برای تأکید استفاده شده است. بنابراین می‌توان گفت این برداشت، بیش‌ترین بسامد را در میان ترجمه‌های منتخب دارد. اجمالاً آنان از ترکیب *Читай во имя твоего Господа* استفاده کرده‌اند.

در تحلیل این ترجمه، گفتنی است که متن برگردان از جهت واژه‌گزینی و معادل-یابی برای کلمه «رب»، دقت کامل داشته است و می‌توان آن را ترجمه‌ای برابر و وفادار به متن زبان مبدأ دانست. همچنین حذف نشدن حرف جر باء در فرایند ترجمه، یکی

دیگر از محاسن آن محسوب می‌شود. اما در آن مفعول فعل اقرأ و مفهوم حرف جر باء تعیین نشده است. البته عدم تعیین مفعول فعل اقرأ خود سبب تعمیم آن می‌شود.

### ۵-۳- تحلیل ترجمه «بانگ برآور: به نام مالکت که خلق کرد.» (= بانگ برآور: بسم الله الرحمن الرحیم)

«بتسی شیدفر»، به صورت مستقیم با استفاده از ترکیب «Во имя Господа» (Возгласи: «Твоего...» به صورت کامل ترجمه «بانگ برآور: به نام مالکت که خلق کرد.» (= بگو: ﴿بسم الله الرحمن الرحیم﴾) را، ارائه داده است، ولی «والریا پروخوروا» هم، تحت تأثیر ترجمه‌های قبلی قرآن کریم به زبان روسی از ترکیب «بخوان به نام خداوندت»، استفاده کرده است و هم به صورت ضمنی با استفاده از فعل «ВОЗГЛАСИ» در پرانتز به معنای «گفتن» و «بر زبان آوردن با صدای بلند»، در ترکیب «ЧИТАЙ (И ВОЗГЛАСИ) ВО ИМЯ БОГА ТВОЕГО» تا حدی به ترجمه «بخوان: به نام پروردگارت»، نزدیک شده است و ترجمه‌ای بینابینی ارائه کرده است.

ترجمه «بتسی شیدفر» از جهت علم نحو، بی‌اشکال است. اما برای درستی یک ترجمه از قرآن کریم، مطابق بودن آن با علم نحو لازم است، ولی کافی نیست. با این توضیح که سازگار بودن فهم مخاطب با قواعد صرف و نحو زبان متن، به‌تنهایی اطمینان از درک صحیح آن را حاصل نمی‌کند و باید سایر شرایط متن را نیز در نظر گرفت که در این جا قرآن کریم است و از آن شرایط در علوم قرآن بحث می‌شود و از جمله آن علوم، سبب نزول و ترتیب نزول آیات است.

در این ترجمه، حرف جر «باء»، زائد در نظر گرفته شده است و براساس آن تقدیر آیه، عبارت است از: «اقرأ اسم ربک»، اما پذیرش زائد بودن حرف جر «باء» با چالش‌هایی روبرو است.

در این میان، برخی قرآن‌پژوهان گزارش کرده‌اند که اکثر نحویان، زائد بودن حرف جر «باء» را در عبارات عربی نپذیرفته‌اند (برای مثال نک: زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۴: ۲۲۳)؛ اما

برخی نیز حرف جر «باء» را در بعضی از آیات قرآن کریم، زائد دانسته‌اند (برای مثال نک: همان؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱: ۴۸۶). زائد دانستن حرف جر «باء» در آیاتی مانند آیه «وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ» (بقره / ۷۴)، معمولاً قیاسی و ضابطه‌مند است و در موارد دیگر بدون قرینه و دلیل زائد دانستن آن مشکل است. از همین رو باید دلیلی برای زائد دانستن حرف جر «باء» در جملات، اقامه شود.

گفتنی است در اغلب موارد، حرف جر «باء»، به صورت زائد در جملات منفی و آن هم بر سر خبر «لیس» یا «ما» نافیه ظاهر می‌شود. مانند آیه: «أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ» (زمر / ۳۶) یا آیه «وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَن فِي الْقُبُورِ» (فاطر / ۲۲). البته این به معنای آن نیست که در قرآن کریم و در جملات مثبت، حرف جر «باء»، به صورت زائد وجود ندارد.

برای مثال در آیه «وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا» (نساء / ۶) یا آیه «وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا» (نساء / ۷۹)، ادوات نفی وجود ندارد و از همین رو جملات مثبت هستند؛ ولی با وجود این برخی، حرف جر «باء» در این آیات را، زائد دانسته‌اند (نک: زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۴: ۲۲۳؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱: ۴۸۶)؛ اما در چنین مواردی نیز ضابطه وجود دارد و آن عبارت است از این که بعد از فعل «کفی»، آن هم تنها اگر به معنای «حسب» باشد یا در صیغه تعجب «أفعل به»، مانند آیه «أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ» (مریم / ۳۸)، حرف جر «باء» به صورت زائد می‌تواند به کار برود؛ اما برای مثال در آیه «فَسَيَكْفِيكُمْ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (بقره / ۱۳۷) به سبب این که فعل «کفی» در «فَسَيَكْفِيكُمْ» به معنای «وقی» است، حرف جر «باء» زائد بر سر فاعل آن، ظاهر نشده است (نک: سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱: ۴۸۶). به بیان دیگر زائد دانستن حرف جر «باء»، معمولاً دارای ضابطه است و بسیار کم پیش می‌آید که سماعی باشد. باید توجه داشت که اگر برخی حرف جر «باء» را در آیاتی مانند: «فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ» (واقع / ۷۴)، زائد دانسته‌اند، به سبب آن است که ترکیب مشابه در آیات قرآن کریم بدون حرف جر «باء» وجود دارد، مانند آیه: «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى»

(اعلی / ۱). بنابراین می‌توان به صورت سماعی آن را زائد دانست، اما در مورد آیه ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾ (علق / ۱) علاوه بر این که هیچ یک از ضوابط مذکور وجود ندارد، ترکیب مشابهی نیز بدون حرف جر «باء»، شنیده نشده است تا بتوان به استناد آن به صورت سماعی حرف جر «باء» را در این آیه زائد دانست.

حال، سؤال این جاست که استناد زائد دانستن حرف جر «باء» در این آیه چیست؟ زمانی که به برخی متون، مراجعه می‌شود که در آن‌ها به زائد دانسته شدن این حرف اشاره شده است، ملاحظه می‌شود که تأویل آیه نخست سوره علق در این برداشت معادل معنای «اذکر اسم ربک» دانسته شده است (برای مثال نک: خازن، ۱۴۱۵، ج ۴: ۴۴۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۵: ۴۰۰). چنان که در برخی آیات نظیر آیه ﴿وَ اذْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ وَ تَبَيَّنْ لِيْهِ تَبْيِيْلًا﴾ (مزمل / ۸)، فعل «اذکر»، بدون حرف جر باء استعمال شده است، اما این توجیه، نیازمند آن است که فعل «اقْرَأْ» در آیه نخست سوره علق را نیز به معنای «اذکر» بدانیم که این سبب خروج از لفظ می‌شود و نیاز به قرینه دارد. از این گذشته اصل بر این است که در متونی مانند قرآن کریم که تماماً سخن خداوند است، حرف زائیدی وجود نداشته باشد و برای آن که خلاف اصل، عمل شود باید مانعی بر سر راه عمل به اصل، وجود داشته باشد که در این جا چنین مانعی وجود ندارد. به هر صورت، از منظر نگارندگان، زائد دانستن حرف جر «باء» در این عبارت ضرورتی ندارد و ناصحیح است.

## ۶- تأملی در هم‌پیوندی آیات سوره علق و ارائه ترجمه مطلوب

هرچند اکثر مفسران قرآن کریم، پنج آیه نخست سوره علق را اولین آیات نازل شده بر پیامبر اکرم (ص) می‌دانند (نک: طوسی، بی تا، ج ۱۰: ۳۷۸)، ولی همان‌طور که ملاحظه شد، اخبار منقول درباره آغاز نزول قرآن کریم و ارتباط آیات سوره علق به حوادث آن زمان، قابل اعتماد نیستند و در ضمن این اخبار با دسته دیگری از اخبار که اولین سوره

ارزیابی برگردان‌های آیه «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» (علق / ۱) ... حسام امامی دانالو و موسی عبداللهی

نازل شده را سوره حمد (نک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۶۱۳) یا مدثر (نک: طوسی، بی‌تا، ج ۱۰: ۱۷۱) معرفی کرده‌اند، در تعارض هستند. از همین رو نمی‌توان در تفسیر قرآن کریم به این اخبار مراجعه کرد و باید به دنبال راه دیگری بود.

علامه طباطبایی، با اشاره به آیه «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ» (نحل / ۸۹)، می‌نویسد: «حاشا أن يكون القرآن تبيانا لكل شيء و لا يكون تبيانا لنفسه» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۱۱) و توضیح خود نیازمند چیز دیگری است؟ پس تبیین هر چیزی است، چگونه در تبیین و توضیح خود نیازمند چیز دیگری است؟ پس قرآن کریم در تفسیر خود و در تبیین سخنان خود مستقل است (نک: همو، ۱۳۸۸: ۷۹-۸۰). بنابراین باید به خود قرآن کریم مراجعه کرد که آیه نخست سوره علق چه مفهومی دارد.

از آن‌جاکه آیات قرآن کریم سخن خداوند حکیم است، بی‌دلیل، آیات خاصی در یک سوره قرار داده نشده است و حتماً میان آیات یک سوره ارتباطی خاص وجود دارد. زمانی که سوره علق را با توجه به مفاهیم موجود در آن بخوانیم، ملاحظه می‌کنیم که مخاطب در این سوره، نخست امر به قرائت کردن، شده است: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ»، سپس توضیح داده شده است «رب» که در آیه نخست به خلق کردن، وصف شده است، انسان را خلق کرده است: «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ»

در این آیه از میان حالاتی که انسان در زندگی خود دارد، به «علق»، به معنای «لخته خون» که پست‌ترین و ضعیف‌ترین حالت یک انسان است، اشاره شده است. سپس مجدداً امر به خواندن تکرار می‌شود: «اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ»، این امر همان امری است که در آغاز سوره قرار داشت و برای تأکید است؛ زیرا اگر تفاوتی در این دو امر (= اقرأ) بود، باید با آوردن قید، این دو را از هم تفکیک می‌کرد، اما این بار، «رب» به صفت «اکرم بودن»، وصف شده است.

عطا و بخشش خداوند، فوق عطاهاى دیگر است و دلیل آن این است که خداوند گاه بدون این که فرد دریافت کننده نعمت، استحقاق داشته باشد، به او چیزی را می-بخشد. سپس خداوند توضیح می دهد که او همان کسی است که به آن انسانی که خلق کرده است و چیزی از دانش نداشته با قلم که جسمی بی جان است، علم آموزش داده است: ﴿الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ \* عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾ اما این انسان چه کرده است؟ آیا قدر این بخشش و عطای الهی را دانسته است؟ پاسخ منفی است: ﴿كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِكَبَّاتٍ \* أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَى﴾ این انسان زمانی که احساس کرده بی نیاز شده، مغرور شده و طغیان کرده است و فراموش کرده است که بازگشت همه انسانها به سوی خداوند است: ﴿إِنْ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَى﴾

حال به جایی رسیده که عبد و بنده ای را که در حال نماز و ستایش خداوند است، از این عمل صالح نهی می کند و این نهی کردن با وجود نعمتهایی که از سوی خداوند به او بخشیده شده است سبب تعجب است: ﴿رَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى \* عَبْدًا إِذَا صَلَّى﴾ علامه طباطبایی می گوید: این عبد که در حال نماز بوده همان پیامبر اکرم (ص) است (نک: طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲۰: ۳۲۵) که در آغاز سوره، امر به خواندن شده است و در انتهای همین سوره از اطاعت این شخص، نهی شده و امر شده که سجده کند که این سجده کردن، یکی از بخش های نماز است.

بنابراین، امر به خواندن در آیه، مربوط به خواندن قرآن در نماز است. چنان که برخی از مفسران همچون طبرانی در قرن چهارم هجری، یکی از احتمالات تفسیری درباره فعل «اقرأ» را مربوط به «قرآن در نماز» می داند و می نویسد: «أَيُّ اقْرَأِ الْقُرْآنَ فِي صَلَاتِكَ» (طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۶: ۵۲۷)

علاوه بر این یکی از احتمالاتی که برخی مفسران برای تحلیل تکرار فعل اقرأ در آیه سوم این سوره تبیین می کند، آن است که «اقرأ» در آیه اول، برای درون نماز باشد و دومی برای بیرون از نماز باشد (... اقرأ في صلاتك و الثاني خارج صلاتك) (برای مثال



ارزیابی برگردان‌های آیه «اقرأ باسم ربك الذي خلق» (علق/ ۱)... \_\_\_\_\_ حسام امامی دانالو و موسی عبداللهی

نک: فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۳۲: ۲۱۷؛ نظام الاعرج، ۱۴۱۶، ج ۶: ۵۲۹؛ ابن عادل، ۱۴۱۹، ج ۲۰: ۴۱۵). بر این اساس، به ظن غالب، متعلق فعل امر «اقرأ»، خواندن مطلق قرآن کریم در هر زمانی یا هر حالتی نیست، بلکه به طور ویژه به قرائتی اشاره دارد که از قرآن در نماز صورت می‌پذیرد.

به عبارت دیگر، زمانی که پیامبر اکرم (ص) در حال نماز بوده‌اند، شخصی ایشان را از نماز خواندن نهی کرده است و این سوره به آن حضرت دل‌داری می‌دهد که این شخص که امروز تو را از نماز خواندن نهی می‌کند، همان «لخته خونی» است که هیچ قدرتی نداشت و اگر اکنون ذره‌ای علم دارد، آن علم نیز متعلق به خود او نیست؛ بلکه خداوند به وسیله جسمی بی‌جان (= قلم) به او آموخته و قادر است به هر انسان دیگری نیز بیاموزد، ولی آن انسان، اکنون احساس بی‌نیازی کرده و طغیان کرده و ناسپاس است، تا جایی که پیامبر اکرم (ص) را از نماز خواندن نهی کرده است. البته این به معنای محدود کردن مفعول فعل «اقرأ» نیست؛ بلکه توضیحی تفسیری است که می‌توان آن را برای آمیخته نشدن با متن اصلی، درون علائم نگارشی به کاربرد.

جالب است که در شأن نزول این آیات گزارش شده است که شخصی که پیامبر اکرم (ص) را از خواندن نماز نهی کرده است، همان «عمرو بن هشام بن المغیره بن عبدالله بن عمر بن مخزوم» است. وی، پیش از بعثت پیامبر اکرم (ص) به سبب حکمت و علم فراوانی که داشت در میان قریش به «ابو الحکم» معروف بود، اما به سبب مخالفت‌های شدیدی که نسبت به پیامبر اکرم (ص) و شعائر اسلام، همچون نماز، داشت، معروف به «ابوجهل» شد (نک: بلاذری، ۱۹۵۹، ج ۱: ۱۲۵؛ طوسی، بی‌تا، ج ۱۰: ۳۸۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۷۸۲؛ فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۳۲: ۲۲۱). در این سوره نیز به نعمت علم انسان مورد نظر اشاره شده است.

بنابراین می‌توان ترجمه مطلوب را چنین بیان کرد: «[قرآن در نماز را] به استعانت از مالکت، کسی که خلق کرد، بخوان!»

«Читай [Коран в своем Намазе] при помощи сути твоего Господа, кто сотворил»

جالب است که در قرآن کریم، ریشه «قرء»، در مورد نماز نیز به کار رفته است:

﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَ قُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا﴾<sup>۲۲</sup>

(اسراء / ۷۸)

در این آیه، به جای عبارت «صلاه الفجر» (= نماز صبح)، از «قرآن الفجر» استفاده شده که همان ریشه «قرء» است. مفسران قرآن کریم تأکید کرده‌اند که مقصود از ﴿قُرْآنَ الْفَجْرِ﴾، همان خواندن نماز است؛ زیرا یکی از ارکان نماز، قرائت است (برای مثال نک: طوسی، بی تا، ج ۶: ۵۰۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲: ۶۸۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۶۷۰؛ فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۲۱: ۳۸۴؛ نیشابوری، ۱۴۱۵، ج ۲: ۱۸؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۳: ۲۶۴؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۴: ۱۴۵).

علامه طباطبایی می نویسد: «و این که فرموده: (و قرآن الفجر)، عطف است بر کلمه (الصلاه) که تقدیرش چنین می شود: (و اقم قرآن الفجر) که مراد از آن نماز صبح است، و چون مشتمل بر قرائت قرآن است، آن را قرآن صبح خوانده، چون روایات همه متفق اند بر این که مراد از "قرآن الفجر" همان نماز صبح است» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۳: ۱۷۵).

بر این اساس، ریشه «قرء»، به قرآن در نماز نیز، تعلق می گیرد. البته این برداشت از سوره علق مخالف با برداشت مفسران قرآن کریم نیست؛ بلکه آنان نیز به این نکته اشاره کرده‌اند که متعلق فعل «اقرأ»، قرآن کریم است (برای مثال نک: فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۳۲: ۲۱۵؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۵: ۳۲۵؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲۰: ۳۲۳)؛ اما در این پژوهش ضمن تصحیح نگرش به سوره علق و ترجمه‌های روسی، نشان داده شد که مقصود از این قرآن، قرائت قرآن در نماز است و آیات این سوره، ارتباطی با غار حرا یا حوادث آغاز نزول قرآن کریم ندارد.

## ۷- نتیجه‌گیری

حاصل پژوهش حاضر در بررسی ترجمه‌های نامبرده این است که:

۱- ترجمه‌های منتخب روسی از آیه «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» را می‌توان درباره

ترجمه فعل «اقْرَأْ» و متعلق‌یابی آن به سه دسته تقسیم کرد:

نخست: «[وحي را] بخوان به نام مالکت»

دوم: «بخوان / بخوان! به نام مالکت»

سوم: «بخوان/ بانگ برآور: به نام مالکت»

۲- از محاسن این ترجمه‌ها می‌توان به این نکته اشاره کرد که هریک از آن‌ها، کلمه

«رَبِّ» را به درستی به «مالک» برگردانده‌اند، اما ضعف‌هایی در هریک از این ترجمه‌ها

نیز به چشم می‌خورد؛ نظیر این‌که، واژه «اسم» را به‌طور مطلق، «نام» ترجمه کرده‌اند. در

ترجمه‌های دسته سوم، مفعول فعل امر «اقْرَأْ»، خود متن آیه در نظر گرفته شده است و از

همین رو حرف جر «باء»، زائد خواهد بود. از میان مترجمان منتخب، تنها «محمد نوری

عثمانوف»، وحی را مفعول فعل «اقْرَأْ» معرفی کرده است و در دسته دوم هیچ مفعولی

برای این ترجمه ذکر نشده است و در دسته سوم مفعول فعل امر «اقْرَأْ»، عبارت بعد از

این فعل، در همان آیه نخست در نظر گرفته شده است.

۳- ترجمه پیشنهادی برای آیه «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» چنین است:

«Читай [Коран в своем Намазе] при помощи сути твоего Господа, кто сотворил»

( = «[قرآن در نمازت را] به استعانت از حقیقت مالکت، کسی که خلق کرد، بخوان!» )

از محاسن این ترجمه می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- در این ترجمه از علائم نگارشی، همچون کروشه، برای جداسازی افزوده‌های

ترجمه استفاده شده است.

- مفعول فعل امر «اقْرَأْ»، متناسب با مفاد سوره علق معرفی شده است.

- «اسم» در این ترجمه، تنها به نام برگردانده نشده است.

- از اخبار متعارض و متناقض آغاز نزول، برای تفسیر قرآن کریم استفاده نشده است.

- حرف جر باء، زائد در نظر گرفته نشده است.

- تقدیر نابجای «اقرأ» به «اذکر» وجود ندارد.

- تناسب آیات سوره علق و به هم پیوستگی این سوره نشان داده شده است.

جدول شماره (۲): ضعف و مزیت ترجمه‌ها پیشین در مقایسه با ترجمه مطلوب

ردیف	ترجمه ارائه شده	مترجمان	ترجمه به فارسی	ضعف	مزیت
۱	Читай [откровение] во имя Господа твоего, который сотворил [все создания]	محمد نوری عثمانوف	[وحی را] بخوان به نام مالکت که خلق کرد [همه مخلوقات را]	عدم توجه به ضعف اختیار آغاز نزول و پذیرش آن‌ها و اعمال کردن مفاد آن‌ها در ترجمه	برگردان تمام کلمات موجود در متن اصلی و استفاده از گروه برای افزوده‌های ترجمه
۲	Читай! во имя твоего Господа, Который сотворил все сущее.	ایگناتی کراچکوفسکی	بخوان! به نام مالکت که خلق کرد همه چیز را	عدم استفاده از علائم نگارشی مانند گروه برای جدا کردن افزوده‌های ترجمه	برگردان تمام کلمات موجود در متن اصلی
۳	Читай во имя твоего Господа, Который сотворил все сущее.	المیر کولیف	بخوان به نام مالکت که خلق کرد همه چیز را	عدم استفاده از علائم نگارشی مانند گروه برای جدا کردن افزوده‌های ترجمه	برگردان تمام کلمات موجود در متن اصلی
۴	Читай (и возгласи!) Во имя Бога твоего, Кто	والریبا پروخوروا	بخوان (و بانگ برآور!) به نام خداوندت که خلق کرد	عدم صراحت در تعیین معنای «اقرأ» و تردید در معنای عبارت	برگردان تمام کلمات موجود در متن اصلی استفاده از پرانتز

ارزیابی برگردان‌های آیه «اقرأ باسم ربك الذي خلق» (علق / ۱) ... حسام امامی دانالو و موسی عبداللهی

برای جدا کردن افزوده‌های ترجمه				– сотворил	
برگردان تمام کلمات موجود در متن اصلی	اشتباه در ترجمه فعل امر «اقرأ» و اشتباه در تعیین مفعول آن	بانگ برآور: به نام مالکت که خلق کرد.	بتسی شیدفر	Возгласи: «Во имя Господа твоего, что сотворил»	۵

### پی‌نوشت

– ۸

1. Boguslavsky
2. Sablukov
3. Krachkovsky
4. Porokhova
5. Shumovsky
6. Osmanov
7. Kuliev
8. Abu Adel
9. Peter the Great
10. Pyotr Postnikov
11. Mikhail Verevkin
12. Alexey Kolmakov
13. George Sale
14. Dmitry Boguslavsky
15. Gordiy Sablukov
16. Nazim Zyenalov
17. Ignati Krachkovsky
18. Valeria Porokhova
19. Mohammed nuri Osmanov
20. Betsy Shidfar
21. Elmir Quliyev

۲۲. نماز را از زوال آفتاب تا نهایت تاریکی شب برپادار، و [نیز] نماز صبح را، زیرا نماز صبح همواره [مقرون با] حضور [فرشتگان] است.

### ۹- منابع

\*قرآن کریم

- ۱- ابن انباری، عبدالرحمن بن محمد، *الانصاف فی مسائل الخلاف بین النحو البصریین و الکوفیین*، ط ۱، بیروت: المكتبة العصریه، (بی تا).
- ۲- ابن حجر عسقلانی، شهاب الدین احمد بن علی، *فتح الباری فی شرح صحیح بخاری*، ط ۲، بیروت: دار المعرفه للطباعه و النشر، (بی تا).
- ۳- ابن عادل، عمر بن علی، *اللباب فی علوم الکتاب*، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود و دیگران، ط ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه، (۱۹۴۱ق).
- ۴- ابن عاشور، محمد طاهر، *تفسیر التحریر و التنویر المعروف بفسیر ابن عاشور*، ط ۱، بیروت: مؤسسه تاریخ العربی، (۱۹۴۰ق).
- ۵- الهی قمشه‌ای، مهدی، *ترجمه قرآن*، ط ۲، قم: فاطمه الزهراء، (۱۳۸۰ش).
- ۶- بخاری، محمد بن اسماعیل، *الصحیح*، بیروت: دارالقلم، (۱۴۰۷ق).
- ۷- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، *انساب الاشراف*، تحقیق: محمد حمید الله، مصر: مطابع دار المعارف، (۱۹۵۹م).
- ۸- بلاغی، عبدالحجه، *حجه التفاسیر و بلاغ الاکسیر*، ط ۱، قم: حکمت، (۱۳۸۶ق).
- ۹- بیضاوی، عبد الله بن عمر، *انوار التنزیل و اسرار التأویل*، اعداد: محمد عبد الرحمن مرعشلی، ط ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی، (۱۴۱۸ق).
- ۱۰- پورجوادی، کاظم، *ترجمه قرآن*، ط ۱، تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی، (۱۴۱۴ق).
- ۱۱- جانی پور، محمد، ایزدی، مهدی، «جستاری در تبارشناسی ماده «قرأ» در ساخت واژه «قرآن»»، *دوفصلنامه پژوهش‌های زبانشناختی قرآن*، شماره ۲، (۱۳۹۲ش).
- ۱۲- حلبی، علی بن ابراهیم، *السیره الحلبیه النبویه: انسان العیون فی سیره الامین و المؤمن علیہ الصلاه و السلام*، بیروت: دارالمعرفه، (۱۹۸۹م).
- ۱۳- خازن، علی بن محمد، *تفسیر الخازن المسمی لباب التأویل فی معانی التنزیل*، تصحیح: عبدالسلام محمد علی شاهین، ط ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، (۱۴۱۵ق).
- ۱۴- خرم‌دل، مصطفی، *تفسیر نور*، ط ۴، تهران: احسان، (۱۳۸۴ش).

ارزیابی برگردان‌های آیه «اقرأ باسم ربك الذي خلق» (علق/ ۱) ... حسام امامی دانالو و موسی عبداللهی

۱۵- خسروانی، علیرضا، تفسیر خسروی، تحقیق: محمد باقر بهبودی، ط ۱، تهران: کتابفروشی اسلامیة، (۱۳۹۰ق).

۱۶- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، ط ۱، بیروت: دار القلم، (بی تا).

۱۷- زرقانی، محمد بن عبدالباقی، شرح علی المواهب اللدنیة للقسطانی، بیروت: دار المعرفه، (۱۳۹۳ق).

۱۸- زرکشی، محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، ط ۱، بیروت: دار المعرفه، (۱۴۱۰ق).

۱۹- زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، مصحح: مصطفی حسین احمد، ط ۳، بیروت: دار الكتاب العربی، (۱۴۰۷ق).

۲۰- سراج، رضا، ترجمه قرآن، ط ۱، تهران: سازمان چاپ دانشگاه، (۱۳۹۰ق).

۲۱- سمین، احمد بن یوسف، الدر المصون فی علوم الكتاب المکنون، تحقیق: احمد محمد صیره، ط ۱، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، (۱۴۱۴ق).

۲۲- سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، ط ۲، بیروت: دار الكتاب العربی، (۱۴۲۱ق).

۲۳- صادق نویری، عبدالمجید، ترجمه قرآن، ط ۱، تهران: اقبال، (۱۳۹۶ق).

۲۴- طباطبایی، محمدحسین، قرآن در اسلام، تصحیح: هادی خسروشاهی، قم: بوستان کتاب، (۱۳۸۸ش).

۲۵- \_\_\_\_\_ المیزان فی تفسیر القرآن، ط ۲، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، (۱۳۹۰ق).

۲۶- طبرانی، سلیمان بن احمد، التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم، ط ۱، اردن: دار الكتاب الثقافی، (۲۰۰۸م).

۲۷- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، به تصحیح: فضل الله یزدی طباطبایی و هاشم رسولی، ط ۳، تهران: ناصر خسرو، (۱۳۷۲ش).

۲۸- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: احمد حبیب عاملی، مقدمه: محمد محسن آقا بزرگ تهرانی، ط ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی، (بی تا).

۲۹- فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، اعداد: مکتب تحقیق دار احیاء التراث العربی، ط ۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی، (۱۴۲۰ق).

- ۳۰- مسلم حجاج قشیری نیشابوری، *الصحيح*، تصحيح: محمد فؤاد عبدالباقي، بيروت: دار احياء التراث العربي، (۱۹۱۵م).
- ۳۱- مشکيني اردبيلي، علي، ترجمه قرآن، ط ۲، قم: نشر الهادي، (۱۳۸۱ش).
- ۳۲- ميدي، احمد بن محمد، *كشف الاسرار و عده الابرار (معروف به تفسير خواجه عبدالله انصاري)*، به اهتمام: علي اصغر حكمت، ط ۵، تهران: امير كبير، (۱۳۷۱ش).
- ۳۳- نظام الاعرج، حسن بن محمد، *تفسير غرائب القرآن و رغائب الفرقان*، تحقيق: زكريا عميرات، ط ۱، بيروت: دار الكتب العلميه، منشورات محمد علي بيضون، (۱۴۱۶ق).
- ۳۴- نيشابوري، محمود بن ابو الحسن، *ايجاز البيان عن معاني القرآن*، تحقيق: حنيف قاسمي، ط ۱، بيروت: دار الغرب الاسلامي، (۱۴۱۵ق).

منابع روسی:

1. Грязнович, П. А, Ислам, религия, общество, государство. Издательство наука, Академия наук СССР, Москва, 1984. ([http://www.orientalstudies.ru/rus/images/pdf/a\\_gryaznevich\\_1984b.pdf](http://www.orientalstudies.ru/rus/images/pdf/a_gryaznevich_1984b.pdf))
2. Крачковский Игнатий, Коран, Наука, Москва, 1990.
3. Кулиев Эльмир, Коран, ЭКСМО, Москва, 2016.
4. Прохорова Валерия, Коран, РИПОЛ КЛАССИК, Москва 2014.
5. Османов Могаммад. Н., Коран, Ладомир, 1995.
6. Шарипов, У.З. Шарипов, Р.М. Предисловие к новому переводу Корана. Журнал Историческая психология и социология истории 1/2010 67-82
7. Шидфар Бетси, Коран, Изд. дом Марджани, Москва, 2012.
8. <http://slovardalja.net/word.php?wordid=5945۱۳۹۸/۱۰/۲۵>: تاريخ دسترسي: